

جایگاه سرمایه اجتماعی در ارتقای تعلق مکانی

(مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان زابل)

محمدشریف شریفزاده^{۱*}، غلامحسین عبداللهزاده^۱، علیرضا اژدرپور^۲، مهنوش شریفی^۳

۱. دانشیار، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران
 ۲. کارشناسی ارشد توسعه کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران
 ۳. دکتری ترویج کشاورزی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران
- (تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی در ارتقای تعلق مکانی در بین مردم روستایی انجام گرفت. این تحقیق شامل پیمایش پرسشنامه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه سرپرستان خانوارهای روستایی شهرستان زابل به تعداد ۲۶۰۱۰ نفر بود که از بین آن‌ها ۳۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای با انتساب متناسب در میان هشت روستای مورد مطالعه انتخاب شدند. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه براساس نظر کارشناسان محلی و اسنادان دانشگاهی تأیید شده، و پایایی آن از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مختلف تأیید شد. طبق یافته‌های تحقیق، نزدیک به ۲۴ درصد پاسخ‌گویان دارای تعلق مکانی کم، ۴۹ درصد دارای تعلق مکانی متوسط، و ۲۷ درصد دارای تعلق مکانی زیاد بودند. با توجه به ضرایب همبستگی، بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی پاسخ‌گویان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد سرمایه اجتماعی بیشترین تأثیر را بر تعلق مکانی دارد (با میزان تأثیر کل ۰/۲۶۸+). متغیرهای وضعیت شغلی (۰/۲۴۹+)، بهره‌مندی از خدمات (۰/۲۰۷+)، عضویت در نهادهای روستایی (۰/۱۹۷+)، طول اقامت در روستا (۰/۱۹۵+)، مهاجرت اعضای خانواده (۰/۱۸۸-)، و رضایت از زندگی (۰/۱۵۶+) در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مجموع، براساس یافته‌های تحقیق، بهره‌گیری از راهبردهای مشارکتی در راستای ارتقای سرمایه اجتماعی و پیشبرد توسعه یکپارچه محلی می‌تواند به افزایش تعلق مکانی و سکونت پایدار در مناطق روستایی شهرستان زابل منجر شود.

کلیدواژگان

تعلق مکانی، خانوارهای روستایی، سرمایه اجتماعی، سکونت پایدار، زیست‌بوم عاطفی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: sharifsharifzadeh@gmail.com

مقدمه

مناطق روستایی در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای مواجهند و نوعی ناهمگامی را می‌توان بین رشد و توسعه این مناطق و مناطق شهری شاهد بود. تخریب منابع پایه در اثر بهره‌برداری بی‌رویه یا تغییرات اقلیمی، کمبود سرمایه‌گذاری و ابتکارات کارآفرینانه، ناپدیداری معیشتی، و مواردی از این دست، موجب شده است زندگی در برخی مناطق روستایی از استانداردهای توسعه پایدار فاصله داشته باشد. زندگی روستایی در گرو فراهم کردن شرایط مناسب برای ماندگاری و فعالیت مردم روستایی در این مناطق است.

با توجه به مهاجرفرستی مزمن برخی روستاها و پیرشدن جمعیت و در مواردی، خالی شدن جمعیت روستاها از سکنه، شناسایی عوامل کاهنده این روند و افزایش میل به ماندگاری روستاییان در روستا امری حیاتی برای تداوم حیات روستا محسوب می‌شود. یکی از پایه‌های اصلی توجه به پایداری سکونت و کاهش مهاجرت در برنامه‌ریزی و توسعه در مناطق مرزی، به‌ویژه روستایی این است که ساکنان این مناطق به محل زیست و فعالیت خود تعلق خاطر داشته باشند (توکل و موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). در واقع، حس تعلق مکان از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رابطه فرد با محیط است. این حس دربرگیرنده عوامل گوناگونی است که کیفیت زندگی فرد در مکان را متأثر می‌کند. وجود یا نبود حس تعلق بر رفتارهای افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد (شیخی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

مکان علاوه بر بعد مادی، بعد غیرمادی نیز دارد و احساسی در ساکنان خود ایجاد می‌کند که به واسطه آن نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده، که به شکل‌گیری هویت مکانی منجر می‌شود. این حس تعلق مکانی بر مشارکت و سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱، ص ۲۹). کم‌توجهی به ابعاد و عوامل هویت‌بخش، باعث ایجاد محیط‌هایی مصنوعی و تهی از هویت انسانی می‌شود. از پیامدهای این امر، پایین بودن احساس تعلق مکانی، همبستگی و مشارکت اجتماعی، کاهش انگیزه ساکنان برای ادامه سکونت و تأثیر در تحقق نیافتن اهداف جمعیتی است (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۷).

عوامل مختلفی بر تعلق مکانی تأثیرگذارند. در این بین، هرچند برخی مطالعات در صفت انحصاری و تفضیلی نقش تعاملات اجتماعی در ایجاد و تقویت حس مکان و تعلق به مکان تشکیک کرده‌اند، صرف اهمیت وافر روابط اجتماعی در شکل‌گیری و بسط حس مکان که در قریب به اتفاق مطالعات مکانی منعکس شده، سبب تثبیت تصورات ذهنی از محیط اجتماعی بر ابعاد حس مکان به مثابه یک اثرگذاری مهم در مدل تأثیرسنجی ابعاد حس مکان است (مظلومی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). قدمت طولانی مدت سکونت در منطقه زابل به قبل از میلاد مسیح (۳۲۰۰ سال قبل از میلاد) بازمی‌گردد. پیدایش و پویایی زابل ناشی از شرایط منطقه‌ای (خاک مساعد و آب کافی) و فرامنطقه‌ای (هیرمند و افغانستان) بوده است. شهرنشینی در این منطقه از روال منطقی تبدیل روستا به شهر تبعیت می‌کند (تبدیل روستای حسین‌آباد به شهر زابل) و بیشترین توسعه و گسترش فیزیکی شهر زابل ناشی از شرایط به وجود آمده پس از انقلاب اسلامی بوده است (بزی، ۱۳۸۵، ص ۵). در سال‌های اخیر، الگوی سکونتگاه روستا-شهری در منطقه تغییر کرده است (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۵۱) و بنا بر مشکلات و مسائل معیشتی ناشی از خشکسالی، تغییرات اقلیمی و عوامل دیگر که کیفیت زندگی در مناطق روستایی را متأثر کرده است (فاضل‌نیا، ۱۳۹۳، ص ۴۹) و نابرابری در توسعه‌یافتگی اجتماعی و اقتصادی در منطقه به این روند دامن زده است (پیری و عمرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵) و در نتیجه، تمایل به مهاجرت و در نتیجه، کاهش تعلق مکانی در بین مردم ساکن در روستاها مشهود است. با توجه به اهمیت عوامل اجتماعی بر تعلق مکانی، این تحقیق در پی بررسی مؤلفه‌های این دو سازه و رابطه بین آنها است. در واقع، این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش محوری است که آیا رابطه مثبت و معناداری بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی در روستاهای مورد مطالعه وجود دارد؟ و چگونه می‌توان با ارتقای سرمایه اجتماعی، به بهبود تعلق مکانی در بین جمعیت روستاهای مورد مطالعه اقدام کرد؟

مبانی نظری پژوهش

مکان به یک واحد از فضا اطلاق می‌شود، مثل یک شهر، یک استان، یک کشور. گاهی هم، مکان به بخش خاصی از فضای اشغال‌شده توسط انسان نظیر منزل یا سکونتگاه، محل گذراندن اوقات

فراغت و نظایر آن گفته می‌شود. هر مکان به‌عنوان واحدی فضایی شرایطی منحصر به فرد دارد. مکان‌ها، نمود عینی دارند و با تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جز آن عناصر جدیدی را می‌پذیرند و پاره‌ای از عناصر قدیم خود را از دست می‌دهند. صفت مشخص مکان‌ها، به‌وسیله باورهای اقتصادی، مذهبی، فرهنگی و غیره شکل می‌گیرد. روح هر مکان در چشم‌انداز آن بازتاب می‌یابد و ارزش‌ها، فعالیت‌ها و هدف‌های انسانی را به نمایش می‌گذارد. مشخصات مکانی در طول زمان تغییر می‌کند. این امر، حاصل دگرگونی در نگرش‌ها، ارزش‌ها و هدف‌های انسانی است. ساختار هر جامعه از عوامل مهم ساخت مکانی به شمار می‌رود. بدینسان که هر مکانی، نشان و نمادی از خود جامعه به شمار می‌رود. انسان، ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جست‌وجو می‌کند و تعلق به مکانی پیدا می‌کند که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تأمین شود. انسان از مکان با تخصیص آن به کاربری‌های گوناگون، نظیر ساخت سکونتگاه، ایجاد مزرعه، توسعه چشم‌انداز طبیعی مشترک و نظایر آن بهره می‌برد. وابستگی به مکان علایقی را در انسان به‌وجود می‌آورد و دوری از آن ممکن است موجب غربت‌زدگی و ناخوشایندی‌های روحی و روانی شود (شکوئی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۵-۲۷۴). مکان، عنصر اصلی هویت ساکنان آن است. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود. انسان از مکان‌های متفاوت، تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساس او می‌تواند بر شکل‌گیری تصویر ذهنی و ادراکش از محیط تأثیرگذار باشد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۷). بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران معرفی می‌کند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۵).

اهمیت بحث هویت مکانی از آنجا ناشی می‌شود که انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون (بی‌مکانی) دچار هراس می‌شود. تعلق خاطر در این میان، پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق‌رهایی بخشد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴). البته هویت مکان از هویت مکانی متمایز است. در این بین، هویت مکانی نوعی ابراز وجود و استفاده از معنای محیطی برای تعیین هویت یا نوعی احساس برانگیخته‌شده در یک فرد یا جمع به‌واسطه ارتباط با یک مکان است. بنابراین، ارتباط نزدیکی بین حس مکانی و هویت مکانی وجود دارد؛ زیرا حس مکانی مربوط به وابستگی انسان به مکانی است که در آن زندگی می‌کند هویتی است جمعی که به یک مکان خاص گره

خورده است. اما هویت مکان به ویژگی های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره می کند که از سه عامل درهم تنیده عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن، فعالیت های مشاهده پذیر و کارکردها و مفاهیم، یا نمادها شکل گرفته است (شکل ۱). لینچ، ادراک و تصور ذهنی مردم از شهر را به دلیل همین رابطه، بسیار مهم دانسته و اعتقاد دارد حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می کند و وحدت به وجود می آورد. در نتیجه، مکان دارای سلسله مراتبی از بی تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است. در مجموع، حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساس کم و بیش آگاهانه آن ها از محیط است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می خورد و یکپارچه می شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می شود. حس مکان علاوه بر اینکه موجب احساس راحتی از یک محیط می شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می شود (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۵۷).



شکل ۱. تأثیر مکان بر هویت (بدیعی از ندهای و پوینده، ۱۳۹۲، ص ۵)

تعلق مکانی به رابطه احساسی بین افراد، گروه ها یا اجتماعات با محیط زیست فیزیکی خود اشاره می کند (Mishra et al., 2010, p.187). در روان شناسی محیط زیست، تعلق مکانی بیان کننده یک ارتباط یا پیوستگی مثبت بین فرد و یک مکان خاص است (Williams & Vaske, 2003, p.830).

تعلق مکانی دو بعد دارد که عبارت‌اند از وابستگی مکانی^۱ و هویت مکانی^۲ (Kyle et al., 2005, p.153). وابستگی مکانی که اهمیت مکان در فراهم کردن شرایط حمایت از اهداف یا فعالیت‌های دلخواه را نشان می‌دهد، با ویژگی‌های فیزیکی یک مکان ارتباط دارد. هویت مکانی به اهمیت نمادین یک مکان به‌عنوان منبعی برای احساس و روابطی اشاره می‌کند که به زندگی معنا و منظور می‌بخشند. بدین ترتیب، هویت مکانی بخشی از هویت فردی را شرح می‌دهد (عابدی سروسستانی، ۱۳۹۳، ص ۳۷) که با ارتقای حس تعلق به اجتماع، پیوندهای اجتماعی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین رو، می‌توان انتظار داشت هویت مکانی با سرمایه اجتماعی ارتباط دارد. برخی معتقدند در شناخت افراد، باید به تأثیر محیط بر فرد توجه شود و در این راستا، سلامت روحی و روانی افراد و کمیت و کیفیت تعاملات او می‌تواند به تداوم تعلق مکانی به‌عنوان بخشی از هویت فردی بستگی داشته باشد (Twigger-Ross & Uzzell, 1996, p.205).

حس تعلق مکانی که نه کاملاً به صورت جمعی یا فردی شکل می‌گیرد، به‌دلیل پیوند با هویت انسان، پویا است (Manzo, 2003) و یک افق زمانی از گذشته (خاطرات) تا آینده (رویاها، آرزوها و نگرانی‌ها) را دربردارد. حس تعلق مکانی که توسط برخی جغرافیدانان به مکان‌دوستی به‌عنوان نوعی پیوند پرمحبت با تأثیر متقابل مردم و مکان‌ها تعبیر شده است، مفهومی پیچیده از احساس و دلبستگی انسان به محیط است که در اثر سازگاری و بهره‌گیری از مکان به‌وجود می‌آید. این حس به مکان‌های به‌وجود می‌آید که شخصیت متمایز محیطی به لحاظ مصالح، شکل، بافت و رنگ دارند (توکلی و موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲).

ظاهر فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی مواد خام هویت مکان هستند. حس مکان به‌عنوان جنبه دیگری از هویت مکان، در درون این عناصر نیست، بلکه در اثر ارتباط متقابل انسان با این عناصر شکل می‌گیرد. با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته، هویت مکان را می‌توان معادل با حس مکان «ما» دانست. هویت مکان بخشیدنی نیست، بلکه طی زمان و فرایندی به‌وسیله مردم شکل می‌گیرد، اما

-
1. Place dependence
 2. Place identity

ابتدا باید از طریق عوامل فیزیکی، فعالیت و معنا به عنوان مؤلفه‌های تشکیل دهنده، اقدامات لازم در راستای رسیدن به هویت مکان را انجام داد (کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

ماهیت و شدت حس مکانی از طریق مؤلفه‌های مختلفی بررسی شده است (Jorgensen & Stedman, 2006). تعلق مکانی که به عنوان معادلی برای حس مکانی به کار گرفته شده است، نشان دهنده پیوند عاطفی مثبت مردم با یک مکان است. این خصیصه که ممکن است از تاریخ و خانواده، ازدست دادن یا تخریب اراضی، مالکیت و میراث، روابط معنوی یا قصه‌گویی و نامگذاری مکان‌ها نشأت گیرد (Altman & Low, 1992)؛ همواره مثبت نیست و ممکن است دربرگیرنده احساس منفی هم باشد (Hernández et al., 2007).

با مرور دیدگاه‌های مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که حس تعلق مکانی سبب خاص و متمایز بودن یک موقعیت برای فرد، تداوم پیوند او با آن موقعیت و دیگرانی است که در آن موقعیت زندگی می‌کنند. از آنجا که مکان به عنوان یک فضای ساختگی یا طبیعی، از هم‌گرایی متقابل عناصری مانند رفتار انسانی، معانی و مفاهیم و مشخصات کالبدی شکل می‌گیرد، پیوند انکارنشده‌ی با تعامل بین انسان‌ها و نیز تعامل و هماهنگی آن‌ها با محیط پیرامون خود دارد. این خصیصه سبب پیوند بین تعلق به یک مکان به عنوان ماحصل قضاوت و ادراک نسبت به یک محیط خاص و کیفیت مناسبات و روابط اجتماعی بین انسان‌ها، انسجام اجتماعی و در کل، سرمایه اجتماعی می‌شود.

پیشینه تحقیق

وارثی و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه‌ی آن با میزان تعلق مکانی ساکنان در شهر گلبهار به این نتیجه رسیده‌اند که بین مدت زمان سکونت و تعلق مکانی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) با بررسی مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، سه دسته عوامل شناختی - ادراکی فردی، اجتماعی و محیطی - کالبدی را بر حس تعلق به مکان با سطوح مختلف (تعهد به مکان، دلبستگی به مکان، تعلق مکانی، نمادگرایی مکانی، شناخت مکانی،

رجحان مکانی و رضایت‌مندی از مکان) مؤثر دانسته‌اند. در این بین، عوامل محیطی شامل سه سازه ویژگی‌های کالبدی (فرم شامل شکل، اندازه، رنگ و مقیاس و روابط و ساماندهی)، همسازی (قابلیت کالبدی تأمین فعالیت‌ها) و فعالیت‌ها (تعاملات اجتماعی و برخوردهای عمومی) در نظر گرفته شده است. همچنین فرد، شامل انگیزش‌ها، شایستگی‌ها، ادراک و شناخت و نیازهای مختلف جسمانی، ایمنی، تعلق، احترام، خودشکوفایی، شناخت و زیبایی، و دیگران، شامل نمادهای فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته شده است.

رهنما و رضوی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد» به این نتیجه رسیدند که مدل تأثیرگذاری حس تعلق مکانی در افزایش سرمایه‌های اجتماعی از طریق متغیر واسطه‌ای مشارکت بهتر از بقیه این روابط را تبیین می‌کند، به عبارت دیگر، در یک رابطه علی غیرمستقیم، تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

عابدی سروستانی (۱۳۹۳) طی پیمایشی با هدف بررسی ارتباط بین متغیرهای روان‌شناختی مانند تعلق مکانی و نگرش محیط زیستی گردشگران پارک‌های جنگلی استان گلستان به این نتیجه رسیده است که با افزایش فاصله محل زندگی گردشگران با پارک‌های جنگلی، از میزان تعلق مکانی آنان نسبت به این پارک‌ها کاسته می‌شود و افراد مجرد نسبت به افراد متأهل، تعلق مکانی بیشتری به پارک‌های جنگلی دارند. براساس نتایج این تحقیق، بین تعلق مکانی و رفتار مناسب محیط زیستی گردشگران در پارک‌های جنگلی، همبستگی مثبت و معنادار و نوعی رابطه علت و معلولی برقرار است. در این بین، تعلق مکانی در مقایسه با نگرش نسبت به محیط زیست، متغیر بهتری برای پیش‌بینی رفتارهای حامی محیط زیست است.

زیاری و همکاران (۱۳۹۳) با ارزیابی نقش توسعه اجتماعی در تحکیم حس مکانی در سنجج به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و مستقیمی میان توسعه اجتماعی و حس مکانی وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت یکی از راهبردهای تحکیم حس مکان، ارتقای سطح توسعه اجتماعی است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۳). از طرف دیگر، طبق نتایج تحقیق شفیعاً و شفیعاً (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین

ساکنان محله غیررسمی شمیران نو»، رابطه مثبت و معناداری میان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی برقرار است که به وسیله اتصال به شبکه‌ها و اعتماد تقویت می‌شود. مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی در شهرهای جدید پرند و نسیم‌شهر نشان داد حس تعلق مکانی در اسکان غیررسمی (نسیم‌شهر) بیش از اسکان رسمی (پرند) است. همچنین، سرمایه اجتماعی ساکنان نسیم‌شهر بیش از ساکنان پرند، و سرمایه فرهنگی ساکنان پرند بیش از ساکنان نسیم‌شهر است. همچنین، یافته‌های این تحقیق نیز بیان‌کننده این بود که حس تعلق مکانی در شهر جدید پرند به ترتیب از سرمایه اجتماعی، نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی، سرمایه فرهنگی و حس تعلق مکانی، و در نسیم‌شهر به ترتیب، از سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی تأثیر می‌پذیرد. در مجموع، مطابق با نتایج، سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر حس تعلق مکان در دو شهر پرند و نسیم‌شهر گزارش شد (شیخی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۵).

سوینی و همکاران (۲۰۱۲) برداشت ساکنان روستایی را از چشم‌انداز بر مبنای حس تعلق مکانی (مبین رابطه انسان با مکان) در منطقه نورمیجاوری در نزدیکی متروپلتین هلسینکی در جنوب فنلاند بررسی کردند. این مطالعه به شیوه پیمایشی و کمی انجام گرفته است. پاسخ‌گویان در چهار خوشه گروه‌بندی شده‌اند، شامل خوشه‌هایی دارای همبستگی اجتماعی، دارای پیوندهای ضعیف، دارای ریشه‌ها و منابع، و متعهد به مکان. این خوشه‌بندی بر مبنای چهار مؤلفه استخراج شده از تحلیل حس مکانی انجام گرفته است: تعلق به مکان، ریشه‌داشتن، روابط اجتماعی و سازگارشدگی مکان. این خوشه‌ها به‌ویژه خوشه ریشه‌ها و منابع بر حسب نیمرخ اجتماعی - اقتصادی و نیز تعلق مکانی متفاوت‌اند. براساس نتایج تحقیق، حس تعلق مکانی قوی به نگهداشت مکان منجر می‌شود. در این تحقیق دو رهیافت برای چشم‌انداز (به‌عنوان منظره یا مکان سکونت) معرفی شده است.

چیگبو (۲۰۱۳) فقدان حس تعلق مکانی در مناطق روستایی نیجریه را به‌عنوان یک بازدارنده

1. Landscape as a scenery and landscape as a dwelling place

توسعه در این مناطق معرفی کرده است. در مطالعه‌ای که توسط این محقق در منطقه یوتریو در نیجریه انجام گرفته است، درک برداشت و پیوند مردم از محیط زیست و پدیده‌های اطراف در توسعه مهم قلمداد شده است. بدین منظور، چارچوبی شامل سه عنصر ذهنیت روستایی (نگرش فردی به زندگی روستایی)، شخصیت روستایی (چشم‌انداز یا تصویر بیرونی از منطقه روستایی) و زندگی روستایی (فعالیت‌های جامعه محلی) برای حس تعلق مکانی در مناطق روستایی ترسیم شده است. به باور محقق، تقویت یا تضعیف هر یک از این سه محور بر حس تعلق مکانی تأثیرگذار مردم روستایی است. در این تحقیق از مشاهده و مصاحبه‌های عمیق با افراد آگاه و مطلع تاریخی بهره گرفته شده و این نتیجه گرفته شده است که ضعف تعلق مکانی به ضعف تلاش‌های فردی و جمعی برای پیشبرد توسعه محلی منجر می‌شود. در سایر مطالعات نیز به تأثیر عوامل زیر اشاره شده است (Soini et al., 2012, p.125): اندازه و دیگر مشخصه‌های فیزیکی وابسته به ذهن انسان (Shamai, 1991; Dale et al., 2008; Stedman, 2003; Vogt & Marans, 2004)، فاصله جغرافیایی از خانه (Brown et al., 2002; Norton & Hannon, 1997)، مدت سکونت (Relph, 1976; Tuan, 1977)، جنسیت فرد (Hidalgo & Hernandez, 2001)، فعالیت‌های مرتبط با مکان (Eisenhauer et al., 2000)، ارزش‌ها و نگرش‌های زیست‌محیطی (Vorkinn & Riese, 2001; Kaltborn & Bjerke, 2002)، دوره زندگی (Cuba & Hummon, 1993)، تهدید هویت درک شده همراه با تهدید از دست دادن کنترل اراضی (Bonaiuto et al., 2002).

از مباحث نظری و پژوهش‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت، تعلق مکانی موجب شکل‌گیری پیوند بین انسان و محیط پیرامون خود در ابعاد مختلف اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و غیره می‌شود. در این بین، انتظار می‌رود تعلق مکانی با مشارکت مردم در امور اجتماع خویش، آگاهی آن‌ها از محیط پیرامون، شبکه پیوندهای اجتماعی و اعتماد به همدیگر در سطح جامعه به‌عنوان نشانگرهای سرمایه اجتماعی ارتباط داشته باشد.

روش پژوهش

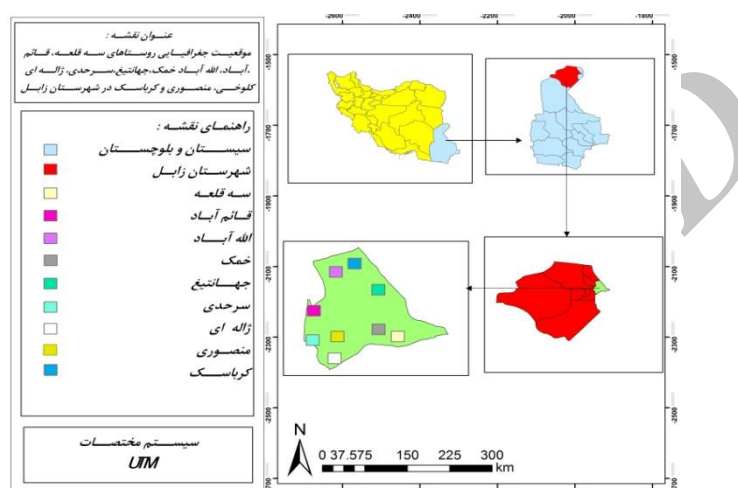
پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از نظر گردآوری داده‌ها، میدانی و از لحاظ کنترل و

سنجش متغیرها، توصیفی و غیرآزمایشی است. در این تحقیق از بین انواع روش‌های تحقیق توصیفی، از پیمایش برای دستیابی به اهداف مورد نظر بهره گرفته شده است. پس از تدوین طرح پیشنهادی با بررسی مبانی نظری، مفاهیم و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی استخراج شد. سپس، تحقیقات تجربی مرتبط با موضوع بررسی شد. از تلفیق این دو، چارچوب مفهومی تحقیق به دست آمد. این چارچوب مبنای تدوین پرسشنامه تحقیق قرار گرفت. در این تحقیق بنا به الگوی نظری و ماهیت تحقیقات همبستگی، رابطه بین تعلق مکانی به عنوان متغیر پیش‌بین و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. بنابراین، فرضیه اصلی تحقیق به این شرح تدوین و بررسی شد: «بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی رابطه معناداری وجود دارد».

ابزار اندازه‌گیری متغیرها و سازه‌های تحقیق پرسشنامه‌ای بود که گویه‌های آن از مقیاس‌های پیشین و مرور پژوهش‌های پیشین (بخش متغیرهای فردی و خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی) و گفت‌وگو با مردم محلی استخراج شده بود. پرسشنامه شامل شش بخش بود: ۱. مشخصات فردی و خانوادگی پاسخ‌گویان؛ ۲. مشخصات اجتماعی؛ ۳. وضعیت اقتصادی؛ ۴. حس تعلق مکانی؛ شامل ۱۵ گویه ارزیابی شده در سطح مقیاس ترتیبی؛ ۵. عوامل تأثیرگذار بر تعلق مکانی؛ ۶. مقیاس سنجش سرمایه اجتماعی، شامل ۳۹ گویه ارزیابی شده در سطح مقیاس ترتیبی. پس از تدوین پرسشنامه تحقیق، روایی و پایایی آن نیز بررسی و تأیید شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه تحقیق از طریق گروهی از متخصصان توسعه روستایی شامل استادان دانشگاه در رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی، جغرافیای روستایی، توسعه روستایی و جامعه‌شناسی ارزیابی و پس از انجام دادن اصلاحاتی تأیید شد. پایایی بخش‌های مختلف پرسشنامه نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (پس از حذف گویه‌های ناهم‌ساز) به این شرح تأیید شد: سازه‌های رضایت از زندگی (۰/۷۶)، تعلق مکانی (۰/۸۷)، و سرمایه اجتماعی (۰/۸۱).

جامعه آماری تحقیق شامل همه سرپرستان خانوار در روستاهای شهرستان زابل به تعداد ۲۶۰۱۰ است (شکل ۲). برای تعیین حجم نمونه تحقیق فرمول کوکران به کار گرفته شده و حجم نمونه ۳۱۰ نفر تعیین شد. پاسخگویان به صورت تصادفی و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای بین سرپرستان خانوارهای روستایی انتخاب شدند. با توجه به اینکه این شهرستان یک بخش و یک

دهستان دارد، ابتدا نه روستا (سه قلعه، قائم آباد، الله آباد، خمک، جهان تیغ، سرحدی، ژاله ای، کرباسک و منصور) به طور تصادفی انتخاب شدند، حجم نمونه به طور متناسب بین روستاها تخصیص یافت، سپس، به طور تصادفی پاسخگویان از روستاها انتخاب شدند.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهرستان زابل (استان سیستان و بلوچستان)

محاسبات آماری داده‌های پژوهش حاضر به وسیله نرم افزار SPSS16 در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام گرفت.

یافته‌ها

توصیف ویژگی‌های پاسخگویان

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت نشان داد بیشتر آن‌ها (۹۱٫۴ درصد) مرد بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۴۴٫۶۹ به دست آمد و بیشتر آن‌ها (۶۹٫۵ درصد) در گروه سنی ۳۱-۶۰ سال قرار داشتند. همه پاسخگویان متأهل بوده‌اند. میانگین تعداد فرزندان حدود چهار نفر و میانگین تعداد اعضای خانوار نزدیک به شش نفر گزارش شد. نزدیک به ۱۶ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، و تحصیلات بیشتر آن‌ها در حد دیپلم بود. میانگین مدت اقامت پاسخگویان در روستای

محل سکونت نزدیک به ۳۴ سال و خانواده بیشتر آن‌ها (۶۴٫۳ درصد) از نوع هسته‌ای بود. فقط ۱۹ درصد پاسخ‌گویان تجربه کار در نهادهای محلی روستا را داشتند و ۷۱ درصد پاسخ‌گویان به فامیل غالب در روستا تعلق دارند. فقط حدود ۸ درصد پاسخ‌گویان با ساکنان دیگر روستا خصومت دارند. حدود ۳۱ درصد از پاسخ‌گویان قصد مهاجرت از روستای خود را دارند، و به‌طور میانگین حدود ۵ نفر از اعضای فامیل آن‌ها از روستا مهاجرت کرده‌اند. از منظر برخورداری از سرمایه نمادین در روستا، ۴۰ درصد پاسخ‌گویان دارای چهره شاخص ریش سفیدی، ۱۴٫۲۸ درصد دارای چهره شاخص مذهبی، ۳٫۳۳ درصد دارای چهره شاخص اقتصادی و ۱۴٫۲۸ درصد دارای چهره شاخص اداری در فامیل و خانواده خود می‌باشند. نزدیک به ۵۴ درصد پاسخ‌گویان رضایت خویش از زندگی را در حد کم و خیلی کم، و فقط نزدیک به ۲۱ درصد رضایت خویش را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

از لحاظ وضعیت شغلی فقط نزدیک به ۲۸ درصد پاسخ‌گویان شغل دائمی بودند و محل کار ۳۶٫۲ درصد پاسخ‌گویان داخل روستا و ۴۵٫۷ درصد خارج از روستا گزارش شد. بیشتر پاسخ‌گویان (۸۰ درصد) مالک خانه مسکونی و نیمی از آن‌ها وسیله نقلیه داشتند. بیشتر آن‌ها (۸۰٫۵ درصد) کمتر از ۳ هکتار زمین کشاورزی، و (۷۲٫۵ درصد) کمتر از ۵ رأس دام داشتند و نزدیک به ۶۷ درصد آن‌ها تحت پوشش بیمه روستایی بودند. علی‌رغم خشکسالی گسترده در منطقه فقط ۱۵٫۲ درصد پاسخ‌گویان بیمه خشکسالی داشتند و با وجود فقر گسترده در مناطق روستایی مورد مطالعه فقط ۲۶٫۲ درصد پاسخ‌گویان تحت پوشش کمیته امداد بودند. حدود ۵۸ درصد پاسخ‌گویان اظهار داشتند دارای کارت مبادله مرزی هستند و فقط ۱۰ درصد آن‌ها اظهار کردند در حال حاضر در کار و تولید سرمایه‌گذاری می‌کنند.

توصیف تعلق مکانی پاسخ‌گویان

در بین گویه‌های نشانگر تعلق مکانی، «پای‌بندی به رسم و رسوم فرهنگی رایج در روستا و مشارکت در آن‌ها، ترغیب فرزندان و اعضای خانواده برای سکونت در روستا و ترغیب فرزندان و اعضای خانواده به ازدواج در سطح روستا» اولویت بالاتری را به‌دست آورده‌اند. در مقابل،

گویه‌های «تلاش برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار در سطح روستا، تلاش برای سرمایه‌گذاری برای توسعه مسکن و شرایط زندگی در روستا، تلاش و همکاری برای عمران و آبادی روستا» اولویت پایینی کسب کردند. در مجموع، گویه‌های دارای ماهیت عاطفی، اجتماعی و خانوادگی نسبت به گویه‌های دارای ماهیت کاری و اقتصادی، رتبه بالاتری کسب کردند (جدول ۱).

جدول ۱. توصیف نشانگرهای تعلق مکانی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌های نشانگر
۱	۰,۵۶	۱,۵۳	۳,۳۷	پای‌بندی به رسم و رسومات فرهنگی رایج در روستا و مشارکت در آن‌ها
۲	۰,۵۴	۱,۵۱	۲,۷۷	ترغیب فرزندان و اعضای خانواده برای سکونت در روستا
۳	۰,۵۳	۱,۶۴	۳,۰۸	ترغیب فرزندان و اعضای خانواده به ازدواج در روستا
۴	۰,۵۲	۱,۴۶	۲,۸۰	صحبت کردن به زبان و گویش محلی
۵	۰,۴۷	۱,۶۲	۳,۴۳	تمایل به برگشت به روستا در صورت مهاجرت موقتی
۶	۰,۴۶	۱,۷۱	۲,۶۹	افتخار به هویت و پیشینه زندگی خانوادگی خود در روستا
۷	۰,۴۵	۱,۶۹	۳,۷۱	عادت کردن و خوگرفتن به زندگی در روستا و دشواری دل‌کندن از آن
۸	۰,۴۲	۱,۵۸	۳,۷۲	احساس رضایتمندی و خشنودی کلی از زندگی روستایی
۹	۰,۴۱	۱,۶۱	۳,۹۶	تلاش برای حفظ پیوندهای خانوادگی و محلی
۱۰	۰,۳۸	۱,۵۵	۴,۰۴	حس خوشایند داشتن به خاطرات جمعی گذشته در روستا
۱۱	۰,۳۶	۱,۵۰	۴,۲۱	تلاش برای حفظ منابع طبیعی و محیط زیست روستا
۱۲	۰,۳۵	۱,۵۳	۴,۴۱	داشتن برنامه برای آینده کار و زندگی، و پیشرفت در روستا
۱۳	۰,۳۵	۱,۴۹	۴,۲۷	تلاش برای سرمایه‌گذاری در کسب‌وکار در سطح روستا
۱۴	۰,۳۳	۱,۵۰	۴,۵۴	تلاش برای سرمایه‌گذاری برای توسعه مسکن و شرایط زندگی در روستا
۱۵	۰,۳۳	۱,۴۱	۴,۳۲	تلاش و همکاری برای عمران و آبادی روستا

برای سطح‌بندی میزان تعلق مکانی در بین پاسخگویان ابتدا از طریق محاسبه میانگین ردیفی گویه‌های تعلق مکانی، متغیر ترکیبی آن به دست آمد، سپس، از طریق فرمول موریس مقدار عددی این متغیر به عددی بین ۰ تا ۱ تبدیل شد. در نهایت، میزان تعلق مکانی به شرح جدول ۲ سطح‌بندی شد. بر این اساس، نزدیک به ۲۴ درصد پاسخگویان دارای تعلق مکانی کم، ۴۹ درصد دارای تعلق مکانی متوسط و ۲۷ درصد دارای تعلق مکانی زیاد هستند.

جدول ۲. توصیف سطح تعلق مکانی پاسخگویان

سطح تعلق مکانی	دامنه سطح	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کم	۰-۰,۳۳	۵۰	۲۳/۸۱	۲۳/۸۱
متوسط	۰,۳۳-۰,۶۶	۱۰۳	۴۹/۰۵	۷۲/۸۶
زیاد	۰,۶۶-۱	۵۷	۲۷/۱۴	۱۰۰
جمع	-	۲۱۰	۱۰۰	-

توصیف سرمایه اجتماعی بین پاسخ‌گویان

وضعیت گویه‌های نشانگر سرمایه اجتماعی بین پاسخ‌گویان در جدول ۳ توصیف شده است. بر حسب میانگین کلی گویه‌ها نیز می‌توان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را به این شرح مرتب کرد: الف) مشارکت اجتماعی؛ ب) آگاهی اجتماعی؛ ج) شبکه اجتماعی؛ د) اعتماد اجتماعی.

جدول ۳. اولویت‌بندی سرمایه اجتماعی

میانگین کلی مؤلفه	رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه نشانگر
-	-	-	-	شبکه اجتماعی (عضویت، تعامل و انسجام اجتماعی)
۱۷	۰,۸۰۶	۱,۵۴۷	۱,۵۴۷	همواره در مراسم محلی (جشن‌ها، عزاداری‌ها و جز آن) روستا شرکت می‌کنم.
۳	۱,۲۴۰	۲,۵۵۷	۲,۵۵۷	در گردهمایی‌ها و جلسات رسمی مانند جلسات شورا، تعاونی و غیره حضور فعال دارم.
۱۶	۰,۹۰۵	۱,۷۲۸	۱,۷۲۸	ارتباط خوبی با خویشاوندان و فامیل دارم.
۱۵	۱,۰۰۹	۱,۷۹۰	۱,۷۹۰	ارتباط صمیمی و نزدیکی با همسایه‌ها دارم.
۱۰	۱,۱۰۶	۲,۲۵۷	۲,۲۵۷	معمولاً افرادی در محل هستند که با من هم‌نظر باشند و بتوانم با آن‌ها هم‌سخن شوم.
۲,۲۳۳	۴	۱,۱۱۱	۲,۵۴۷	من وقت زیادی برای ارتباطات اجتماعی‌ام (دیدن دوستان، گفت‌وگو، مهمانی، و غیره) صرف می‌کنم.
۹	۱,۰۴۹	۲,۳۰۰	۲,۳۰۰	به برگزاری مراسم و دعوت از مردم محل برای حضور در آن اقدام می‌کنم.
۵	۱,۱۹۸	۲,۵۲۸	۲,۵۲۸	تلاش می‌کنم عضو فعال تشکل‌های اجتماعی روستا اعم از بسیج، شورا و ... خود باشم.
۷	۱,۰۶۲	۲,۳۸۵	۲,۳۸۵	مردم این روستا در گرفتاری‌ها (تنگدستی، بیماری و...) به همدیگر کمک می‌کنند.

ادامه جدول ۳. اولویت بندی سرمایه اجتماعی

میانگین کلی مؤلفه	رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه نشانگر
	۱۴	۱,۰۰۰	۱,۸۸۵	سعی می‌کنم مسائل و مشکلات را از طریق گفت‌وگو و ریش سفیدی حل کنم تا اینکه به مراجع رسمی (دادسرا و...) مراجعه کنم.
	۱۲	۱,۰۰۳	۲,۲۲۳	افراد در محل هستند که بتوانم در گرفتاری‌ها روی آن‌ها حساب کنم.
	۱۱	۰,۹۷۴	۲,۲۴۲	احساس می‌کنم بین مردم محل صمیمیت و یکرنگی وجود دارد.
	۸	۱,۰۶۷	۲,۳۲۸	در روستا افراد موجهی هستند که مردم از آن‌ها پیروی می‌کنند (رهبران افکار).
	۶	۱,۰۴۷	۲,۴۲۳	مردم این روستا مشارکت و همکاری فعالی در تشکل‌های محلی (تعاونی، صندوق اعتباری، هیئت مذهبی و...) دارند.
	۱۳	۱,۱۳۰	۲,۰۲۳	معمولاً مردم محل به فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی (مذهبی) احترام می‌گذارند.
	۲	۱,۲۴۴	۲,۵۶۶	اختلاف و درگیری جدی (قومی، ملکی و...) بین مردم محل وجود ندارد.
	۱	۱,۱۵۹	۲,۶۳۳	تفاوت زیادی بین مردم روستا به لحاظ اقتصادی (ثروت و معیشت)، فرهنگی (سبک زندگی)، اجتماعی (شان و جایگاه خانوادگی) وجود ندارد.
اعتماد				
	۱۰	۰,۶۷۷	۱,۲۱۹	به همسایگان خود اعتماد دارم.
	۶	۱,۰۶۴	۲,۰۲۳	به اعضای خانواده خود اعتماد دارم.
	۷	۰,۹۸۳	۱,۹۹۰	به دوستان خود اعتماد دارم.
	۸	۰,۹۸۹	۱,۹۲۳	به اقوام و خویشاوندان خود اعتماد دارم.
۱,۹۹۵	۱	۱,۳۰۳	۲,۲۹۰	حاضریم ضامن آشنایان (همسایه‌ها یا خویشاوندان) برای گرفتن وام شوم.
	۹	۰,۸۷۰	۱,۸۶۶	اطرافیان حاضرند در مواقع مورد نیاز ضمانت و تأیید کنند.
	۳	۱,۰۴۴	۲,۱۷۱	به مدیریت روستا (شورا و دهیاری محل) اعتماد دارم.
	۲	۰,۹۷۹	۲,۲۶۱	به نهادهای دولتی مرتبط (جهاد کشاورزی، بانک‌ها و اداره تعاون) اعتماد دارم.
	۴	۰,۹۶۱	۲,۱۱۴	مردم روستا روی هم‌رفته با من صادق و روراست هستند.
	۵	۱,۰۴۰	۲,۰۹۵	در کل، مردم روستا قابل اعتمادند.
مشارکت				
	۴	۱,۲۴۴	۲,۴۴۲	همواره از طریق مراجعه حضوری یا مکاتبه پیگیر رفع مشکلات محله خود هستم.
۳,۳۵۲	۱	۱,۱۳۰	۲,۵۷۶	با دادن پیشنهاد و ارائه نظرهای خود به مسئولان محلی به پیشبرد امور روستا کمک می‌کنم (مشارکت فکری).

ادامه جدول ۳. اولویت بندی سرمایه اجتماعی

میانگین کلی مؤلفه	رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه نشانگر
	۲	۱,۰۹۴	۲,۵۳۸	در صورت نیاز و توان حاضرم به لحاظ اقتصادی (دادن پول، زمین و غیره) به پیشبرد امور عمومی روستا کمک کنم (خودیاری).
	۶	۱,۰۷۷	۱,۸۷۶	همواره سعی می‌کنم در انتخابات برگزار شده در سطح روستا شرکت کنم.
	۵	۱,۱۱۴	۲,۲۰۰	مردم روستا را به حل مسائل و مشکلات روستا ترغیب می‌کنم.
	۳	۱,۲۱۰	۲,۴۸۵	این قدرت و نفوذ را دارم که مردم محل را برای انجام کارهای گروهی دور هم جمع کنم.
آگاهی اجتماعی				
	۶	۱,۰۴۳	۲,۰۸۱	همواره می‌کوشم از سیاست‌ها و اقدامات جاری دولت اطلاع کسب کنم.
	۳	۰,۹۸۶	۲,۲۱۴	با قوانین و مقررات مرتبط با کار و زندگی (گرفتن وام، معامله و غیره) آشنا هستم.
۲,۳۰۵	۴	۱,۰۶۰	۲,۱۹۵	با وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های دولتی (دهیاری، تعاونی و غیره) محل آشنا هستم.
	۱	۱,۱۴۰	۲,۶۱۴	از دانش و مهارت لازم در امور فنی و تولیدی برخوردارم.
	۵	۰,۹۶۲	۲,۱۵۷	همواره در جریان اخبار، اتفاقات و تحولات روستا هستم.
	۲	۱,۱۷۶	۲,۵۷۱	طرف تعامل و مشورت مردم محل هستم (مرجع بودن).

سرمایه اجتماعی بیشتر پاسخ‌گویان (نزدیک به ۴۵ درصد) در سطح متوسط قرار دارد. بعد از آن بیشترین فراوانی (اندکی بیش از ۴۷ درصد) به پاسخ‌گوییانی با سطح سرمایه اجتماعی کم تعلق دارد. سرانجام، فقط سطح سرمایه اجتماعی ۷ درصد پاسخ‌گویان بالا است (جدول ۴).

جدول ۴. توصیف سطح سرمایه اجتماعی بین پاسخ‌گویان

سطح سرمایه اجتماعی	دامنه سطح	فراوانی	درصد	فراوانی تجمعی
کم	۰-۰,۳۳	۹۴	۴۴,۷۶	۴۴,۷۶
متوسط	۰,۳۴-۰,۶۶	۱۰۰	۴۷,۶۲	۹۲,۳۸
زیاد	۰,۶۷-۱	۱۶	۷,۶۲	۱۰۰
جمع	-	۲۱۰	۱۰۰	-

رابطه بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی

طبق نتایج مندرج در جدول ۵، رابطه مثبت و معناداری بین همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی بین پاسخ‌گویان مشاهده شده است. بر این اساس، با افزایش سرمایه اجتماعی انتظار می‌رود تعلق مکانی ارتقا یابد.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون بین تعلق مکانی و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

تعلق مکانی		سرمایه اجتماعی
سطح معناداری	ضریب همبستگی	
۰,۰۰۰	۰,۳۸۷**	شبکه اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۲۵۳**	اعتماد
۰,۰۰۰	۰,۳۲۹**	مشارکت
۰,۰۰۰	۰,۳۲۱**	آگاهی اجتماعی
۰,۰۰۰	۰,۳۸۴**	کل سرمایه اجتماعی

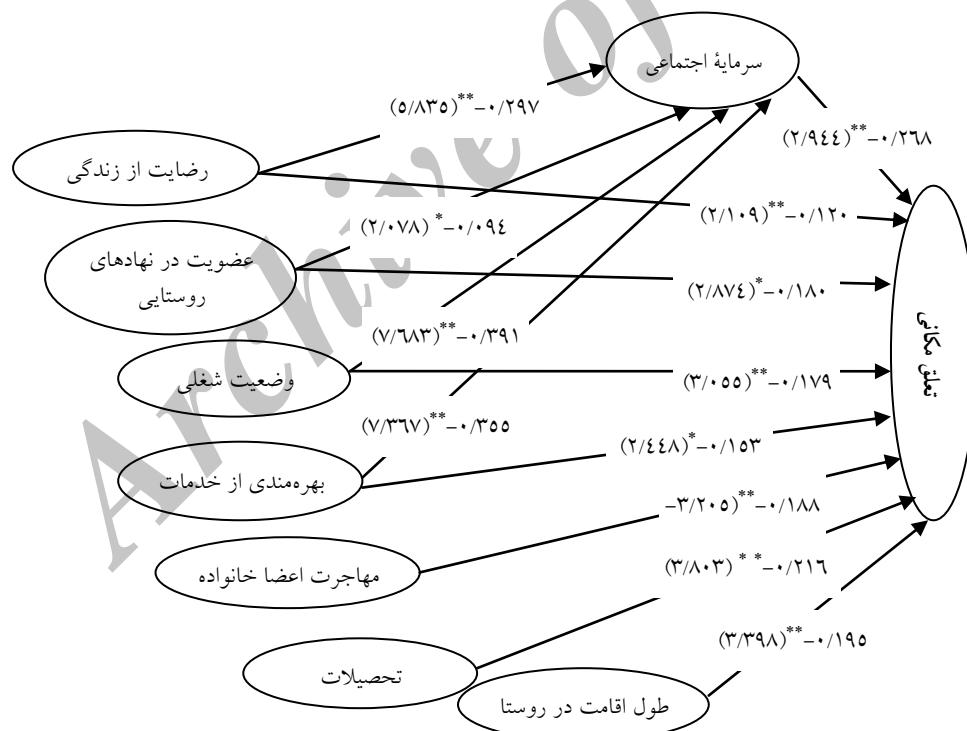
عوامل مؤثر بر تعلق مکانی

برای بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل مورد مطالعه بر متغیر وابسته تعلق مکانی، روش تحلیل مسیر به کار گرفته شد. برای محاسبه ضرایب مسیر، دو تحلیل رگرسیونی انجام گرفت. در مرحله اول متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، و در مرحله بعد متغیر تعلق مکانی به عنوان متغیر وابسته لحاظ شد و تأثیر متغیرهای مستقل مربوطه بر آن‌ها ارزیابی شد (جدول ۶). طی فرایند تحلیل مسیر، پس از انجام دادن رگرسیون و تعیین ضرایب مسیر، مقادیر ضریب تعیین نیز مشخص شد. طبق نتایج، ضریب تعیین رگرسیون با متغیر وابسته سرمایه اجتماعی، ۰/۶۳۹ است، به عبارت دیگر، ۶۳/۹ درصد از تغییرات متغیر سرمایه اجتماعی ناشی از ۱۱ متغیر مستقل است. همچنین، ضریب تعیین برای رگرسیون با متغیر وابسته تعلق مکانی ۰/۴۱۳ که بیان می‌کند ۴۱/۳ درصد تغییرات متغیر تعلق مکانی توسط این ۱۲ متغیر تبیین می‌شود. به علاوه، با توجه به مقدار آماره F برای هر دو رگرسیون، معنادار بودن رگرسیون‌ها و رابطه خطی بین حداقل یکی از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته مربوطه در سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید می‌شود.

جدول ۶. تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر تعلق مکانی

متغیرها	B	خطای معیار	مقدار بتا	مقدار تی	معناداری
متغیر وابسته سرمایه اجتماعی					
سن	۰٫۱۴۳	۰٫۴۱۹	۰٫۰۱۷	۰٫۳۴۱	۰٫۷۳۴
سطح تحصیلات	-۰٫۲۰۸	۰٫۱۱۷	-۰٫۰۸۱	-۱٫۷۷۱	۰٫۰۷۸
تعداد اعضای خانوار	۰٫۳۸۶	۰٫۴۵۸	۰٫۰۳۸	۰٫۸۴۲	۰٫۴۰۱
طول اقامت در روستا	۰٫۱۱۵	۰٫۳۹۶	۰٫۰۱۳	۰٫۲۹۰	۰٫۷۷۲
مهاجرت اعضا خانواده	-۰٫۹۲۴	۱٫۱۷۶	-۰٫۰۳۵	-۰٫۷۸۵	۰٫۴۳۳
داشتن مالکیت زمین	۰٫۶۳۴	۰٫۴۳۱	۰٫۰۷۲	۱٫۴۷۳	۰٫۱۴۲
رضایت از زندگی	۳٫۱۵۹	۰٫۵۴۱	۰٫۲۹۷	۵٫۸۳۵	۰٫۰۰۰
عضویت در نهادهای روستایی	۰٫۷۵۲	۰٫۳۶۲	۰٫۰۹۴	۲٫۰۷۸	۰٫۰۳۹
محل اشتغال (داخل روستا)	۰٫۰۸۲	۰٫۴۵۷	۰٫۰۰۸	۰٫۱۷۸	۰٫۸۵۹
وضعیت شغلی (شاغلان)	۴٫۱۳۸	۰٫۵۳۹	۰٫۳۹۱	۷٫۶۸۳	۰٫۰۰۰
بهره‌مندی از خدمات	۳٫۶۰۳	۰٫۴۸۹	۰٫۳۵۵	۷٫۳۶۷	۰٫۰۰۰
خلاصه مدل: $F=۳۱٫۸۷$	ضریب معناداری = ۰٫۰۰۰	ضریب تعیین = ۰٫۶۳۹			
متغیر وابسته تعلق مکانی					
سرمایه اجتماعی	۰٫۳۴۹	۰٫۱۱۹	۰٫۳۶۸	۲٫۹۴۴	۰٫۰۰۴
سن	۰٫۸۳۹	۰٫۷۶۵	۰٫۰۶۴	۱٫۰۹۶	۰٫۲۷۴
سطح تحصیلات	-۷٫۴۷۷	-۱٫۹۶۶	-۰٫۲۱۶	-۳٫۸۰۳	۰٫۰۰۰
تعداد اعضای خانوار	۰٫۹۳۹	۱٫۰۲۴	۰٫۰۶۸	۰٫۹۱۷	۰٫۳۶۱
طول اقامت در روستا	۲٫۲۴۷	۰٫۶۶۱	۰٫۱۹۵	۳٫۳۹۸	۰٫۰۰۱
مهاجرت اعضای خانواده	-۰٫۶۳۲	۰٫۱۹۷	-۰٫۱۸۸	-۳٫۲۰۵	۰٫۰۰۲
مالکیت زمین	۰٫۱۶۲	۰٫۹۲۱	۰٫۰۱۲	۰٫۱۷۶	۰٫۸۶۰
رضایت از زندگی	۱٫۶۱۰	۰٫۷۶۳	۰٫۱۲۰	۲٫۱۰۹	۰٫۰۳۶
عضویت در نهادهای روستایی	۲٫۰۰۸	۰٫۶۹۹	۰٫۱۸۰	۲٫۸۷۴	۰٫۰۰۵
محل اشتغال (داخل روستا)	۰٫۳۱۶	۰٫۹۷۸	۰٫۰۲۳	۰٫۳۲۳	۰٫۷۴۷
وضعیت شغلی (شاغلان)	۱٫۸۶۵	۰٫۶۱۰	۰٫۱۷۹	۳٫۰۵۵	۰٫۰۰۳
شاخص بهره‌مندی از خدمات	۱٫۷۶۹	۰٫۷۲۳	۰٫۱۵۳	۲٫۴۴۸	۰٫۰۱۵
خلاصه مدل: $F=۱۱٫۵۵$	ضریب معناداری = ۰٫۰۰۰	ضریب تعیین = ۰٫۴۱۳			

نتیجه رگرسیون با متغیر وابسته سرمایه اجتماعی (شکل ۳، جدول ۶) نشان می‌دهد متغیرهای رضایت از زندگی (۰/۲۹۷)، سابقه عضویت در نهادهای روستایی (۰/۰۹۴)، وضعیت شغلی (برای شاغلان ۰/۳۹۱) و بهره‌مندی از خدمات (۰/۳۵۵) تأثیر معناداری بر سرمایه اجتماعی دارند. آثار سایر متغیرها معنادار نیست، یعنی تأثیری در پیشگویی تغییرات متغیر وابسته سرمایه اجتماعی ندارند. به علاوه، دو متغیر مهاجرت اعضای خانواده و متغیر تحصیلات نیز تأثیر منفی بر سرمایه اجتماعی دارند. در ادامه، متغیر تعلق مکانی به‌عنوان متغیر وابسته لحاظ شد و تأثیر متغیرهای مستقل بر آن ارزیابی شد. متغیرهای سرمایه اجتماعی (۰/۲۶۸)، سطح تحصیلات (۰/۲۱۶-)، طول اقامت در روستا (۰/۱۹۵)، مهاجرت اعضای خانواده (۰/۱۸۸-)، رضایت از زندگی (۰/۱۲۰)، عضویت در نهادهای روستایی (۰/۱۸۰)، وضعیت شغلی (برای شاغلان ۰/۱۷۹) و بهره‌مندی از خدمات (۰/۱۵۳) تأثیر معنادار بر متغیر تعلق مکانی داشتند. تأثیر سایر متغیرها معنادار نبود.



شکل ۳. مدل پژوهش با متغیرهای تأثیرگذار بر تعلق مکانی (داخل پرانتز مقادیر تی و معناداری را نشان می‌دهد)

با توجه به جدول ۷ (ستون مجموع اثرات)، بیشترین تأثیر را بر تعلق مکانی مربوط به متغیر سرمایه اجتماعی (۰/۲۶۸) می‌گذارد. در واقع، متغیر سرمایه اجتماعی متغیر مهمی است که با افزایش آن تعلق مکانی روستاییان نیز افزایش می‌یابد. متغیر وضعیت شغلی (برای افراد شاغل) با میزان تأثیر کل ۰/۲۴۹ در جایگاه دوم قرار دارد. یعنی افراد شاغل تعلق مکانی بیشتری دارند. بعد از اینها متغیر سطح تحصیلات قرار دارد (اثر کل ۰/۲۱۶-) که تأثیر منفی بر تعلق مکانی دارد، به این معنا که افراد تحصیل کرده تعلق مکانی کمتری دارند. سه متغیر بهره‌مندی از خدمات (با اثر کل ۰/۲۰۷)، عضویت در نهادهای روستایی (با اثر کل ۰/۱۹۷) و متغیر طول اقامت در روستا (با اثر کل ۰/۱۹۵) پس از اینها قرار دارند. این نتایج بیان می‌کند هر چه افراد روستایی از خدمات بیشتری بهره‌مند باشند، مشارکت بیشتری در نهادهای روستایی داشته باشند و سابقه اقامت بیشتری در روستا داشته باشند، تعلق مکانی نیز افزایش می‌یابد. پس از اینها متغیر مهاجرت اعضای خانواده (با اثر کل ۰/۱۸۸-) قرار دارد که تأثیر منفی بر تعلق مکانی دارد و در صورت مهاجرت اعضای خانوار، سطح تعلق مکانی افراد باقیمانده خانوار نیز کاهش می‌یابد. در نهایت، متغیر رضایت از زندگی (با اثر کل ۰/۱۵۶) قرار دارد که بیان می‌کند تأثیر مثبت سطح رضایت از زندگی بر افزایش تعلق مکانی روستاییان است. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای توسعه امکانات رفاهی و افزایش کیفیت زندگی می‌تواند موجب افزایش تعلق مکانی و ماندگاری روستاییان شود.

جدول ۷. مجموع تأثیرات متغیرهای مستقل بر متغیر نهایی تعلق مکانی

متغیر مستقل	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	مجموع اثرات
سرمایه اجتماعی	-	۰/۲۶۸	۰/۲۶۸
سطح تحصیلات	-	-۰/۲۱۶	-۰/۲۱۶
طول اقامت در روستا	-	۰/۱۹۵	۰/۱۹۵
مهاجرت اعضای خانواده	-	-۰/۱۸۸	-۰/۱۸۸
شاخص رضایت از زندگی	۰/۰۳۶	۰/۱۲۰	۰/۱۵۶
شاخص عضویت در نهادهای روستایی	۰/۰۱۷	۰/۱۸۰	۰/۱۹۷
وضعیت شغلی (شاغلان)	۰/۰۷۰	۰/۱۷۹	۰/۲۴۹
شاخص بهره‌مندی از خدمات	۰/۰۵۴	۰/۱۵۳	۰/۲۰۷
کل			۰/۸۶۸

برخی متغیرهای تأثیرگذار، مانند سطح تحصیلات جنبه فردی دارند؛ بدین معنا که با افزایش سطح تحصیلات انتظار می‌رود دگرگونی‌هایی در نگرش و برداشت فرد از مکان و موقعیت زندگی خود صورت گیرد. افزایش سطح تحصیلات می‌تواند به افزایش انتظارات از کیفیت زندگی کاری و خانوادگی فراتر از امکانات موجود در روستاها و تمایل به مهاجرت از این مناطق منجر شود. در نتیجه، تأثیر تحصیلات بر تعلق مکانی منفی است.

بحث و نتیجه

تعلق مکانی به سکونتگاه یا مکان زندگی موجب می‌شود آن مکان به نوعی زیست‌بوم روانی - عاطفی یا عاطفه‌بوم^۱ تبدیل شود که تجلی پیوستگی یا همجوشی احساس و روان با مکان و فضا است. زیست‌بوم روانی - عاطفی فرصت و مأمنی برای شکل‌گیری روابط عاطفی و تبادل احساس و رفع نیازهای روانی - عاطفی و احساس حمایت و امنیت روانی را به افراد می‌دهد. این ویژگی بازتاب نوعی کارکرد سرمایه عاطفی برای فضا است که در کنار سرمایه‌های دیگر اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی اهمیت دارد و می‌تواند به شکل‌گیری، انباشت و بهره‌برداری و بازایی این سرمایه‌ها کمک کند. برای نمونه، فردی که مکان محل زندگی خود را دوست دارد و نوعی تعلق خاطر به آن دارد، برای عمران و آبادی آن تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کند (سرمایه اقتصادی) و بدین منظور با دیگر ساکنان به منظور بهتر شدن مکان زندگی خود همکاری و مشارکت می‌کند (سرمایه اجتماعی) و در حفظ منابع و زیرساخت‌ها و یا بهره‌برداری بلندمدت‌تر از آن‌ها می‌کوشد (سرمایه‌های طبیعی). این تحقیق به منظور شناسایی جایگاه سرمایه اجتماعی در ارتقای تعلق مکانی به عنوان نشانگر سرمایه عاطفی و شناسایی عوامل تقویت‌کننده یا تشدیدکننده آن انجام گرفت. پیوند بین سرمایه اجتماعی و حس مکانی می‌تواند به شیوه‌های متفاوتی بررسی شود. این پیوند می‌تواند از منظر رابطه بین تعلق مکانی به عنوان یکی از جنبه‌های مهم حس مکانی و دستاوردهایی مانند عزت نفس و احساس غرور یا افتخار بیشتر در یک مکان مورد توجه قرار گیرد. از منظری

1. Pchycosystem or emotion /emosystem

تاریخی، می‌توان از میراث گذشته برای تقویت ارزش‌های مشترک و اقدام جمعی هماهنگ شهروندان و ساکنان در یک مکان بهره گرفت. نتایج این تحقیق نشان داد بین همه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی بین پاسخ‌گویان رابطه مثبت و معنادار دارد. بر این اساس، با افزایش سرمایه اجتماعی انتظار می‌رود تعلق مکانی ارتقا یابد. این یافته با نتایج تحقیقات رهنما و رضوی (۱۳۹۱) در زمینه رابطه بین مشارکت و سرمایه اجتماعی با تعلق مکانی و نیز یافته‌های پژوهش وارثی و همکاران (۱۳۸۹) با مضمون ارتباط بین همبستگی و مشارکت اجتماعی با تعلق مکانی و نیز یافته‌های پژوهش شیخی و همکاران (۱۳۹۴) مبنی بر وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی همسو است. همچنین، تحلیل عوامل مؤثر بر تعلق مکانی حاکی از این است که علاوه بر سرمایه اجتماعی، سطح تحصیلات، طول اقامت در روستا، مهاجرت اعضای خانواده، رضایت از زندگی، عضویت در نهادهای روستایی، وضعیت شغلی و بهره‌مندی از خدمات بر تعلق مکانی روستاییان مورد مطالعه تأثیرگذارند. البته، در این بین، جهت تأثیرگذاری دو متغیر «سطح تحصیلات و مهاجرت فامیل» معکوس است؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات و نیز تعداد فامیل مهاجرت کرده، تعلق مکانی کاهش و در مقابل، با افزایش سرمایه اجتماعی، طول اقامت، رضایت از زندگی، عضویت در نهادهای روستایی، وضعیت شغلی و بهره‌مندی از خدمات تعلق مکانی ارتقا می‌یابد. پیش‌تر، فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰) به تأثیر عوامل فردی در کنار اجتماعی و محیطی - کالبدی تأثیرگذار بر تعلق مکانی اشاره کرده‌اند. تأثیرگذاری متغیر طول اقامت در روستا پیشتر در برخی مطالعات پیشین اشاره شده است (Cuba & Hummon, 1993; Relph, 1976; Tuan, 1977). برخی متغیرهای تأثیرگذار شناسایی شده نظیر رضایت از زندگی، بهره‌مندی از خدمات نشان‌دهنده توسعه‌یافتگی اجتماعی‌اند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت با افزایش سطح توسعه اجتماعی میزان تعلق مکانی ساکنان نیز افزایش می‌یابد. این موضوع در برخی تحقیقات پیشین نظیر زیاری و همکاران (۱۳۹۳) و شفعی و شفعی (۱۳۹۱) نیز مطرح شده است.

پیشنهادها

- با توجه به تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر تعلق مکانی، تقویت تشکل‌های محلی روستایی و

مشارکت دادن روستاییان و افراد بانفوذ اجتماعی در برنامه‌های توسعه‌ای منطقه می‌تواند به تقویت تعلق مکانی افراد و نیز افزایش شانس موفقیت برنامه‌ها کمک کند. در این زمینه، ابتکارات گروهی و تقویت کارهای مشترک مانند تشکیل صندوق‌های اعتباری خرد همراه با جذب و پرورش تسهیلگران روستایی از بین افراد مورد قبول روستاییان (سرمایه‌های نمادین انسانی) و تقویت تعاونی‌های روستایی به عنوان زمینه‌ای برای تبلور مشارکت اجتماعی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. وجود سنت همیاری در بین روستاییان منطقه می‌تواند به موفقیت چنین ابتکاراتی کمک کند. - بسیاری از متغیرهای تأثیرگذار شناسایی شده مانند رضایت از زندگی، بهره‌مندی از خدمات، وضعیت شغلی و جز آن به توسعه‌یافتگی اجتماعی-اقتصادی مربوط‌اند. از این رو، توسعه زیرساخت‌ها، عرضه خدمات رفاهی، درمانی و آموزشی می‌تواند به افزایش تعلق مکانی و ماندگاری روستاییان کمک کند. حمایت ویژه از مراکز آموزشی و درمانی از جمله خانه‌های بهداشت روستایی، تقویت شبکه راه‌ها، تقویت تعاونی‌های روستایی ارائه‌کننده نهادهای مصرفی و نیز تأمین منابع و اعتبارات برای دهیاری‌ها به منظور عرضه خدمات به روستاییان می‌تواند سودمند واقع شود.

- طبق تجربه زیستی اعضای تیم تحقیق و مشاهدات روزمره آن‌ها، در حال حاضر برای حل و کاهش آثار مسائل بحرانی اکولوژیکی در منطقه در نتیجه خشکسالی و کم‌آبی و طوفان‌های شن که عامل تضعیف‌کننده تعلق مکانی شده است، توسعه کمربند سبز و فضای سبز در روستاها با استفاده از گونه‌های گیاهی مناسب اقلیم منطقه، مذاکره جدی برای تأمین آب رودخانه هامون از افغانستان برای مصارف کشاورزی و نیز بهبود اکوسیستم طبیعی و انسانی منطقه (با توجه به خشک شدن دریاچه هیرمند و تأثیر آن بر روان‌شدن توفان‌های شن)، اصلاح الگوی کشت و شبکه توزیع (سه‌میه‌بندی آب) و مصرف آب (استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری) و آموزش کشاورزان در این زمینه درخور توجه است.

- به منظور ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه معیشت پایدار به عنوان عوامل ارتقادهنده تعلق مکانی روستاییان توسعه سرمایه‌گذاری حمایت‌شده در سطح منطقه ضروری است. فراهم کردن اشتغال در معادن، پرداخت وام و حمایت از توسعه صنایع دستی مانند سفال‌گری که سابقه تاریخی

آن در منطقه هم وجود دارد (شهر سوخته) و نیز فرش دستباف، بهره‌برداری از ظرفیت‌های مبادلات مرزی با کشور افغانستان با مذاکرات دیپلماتیک، تقویت بازارچه‌ها و گمرک‌های مرزی و اختصاص منابع ارزی لازم و در کنار توجه به مسائل امنیتی برای روستاهای مرزی منطقه، استان و کشور اهمیت بسزایی دارد. در این راستا، باید جاذبه‌های گردشگری، تاریخی، فرهنگی و طبیعی در محدوده منطقه و شهرستان، از جمله شهر باستانی سوخته، دریاچه و تالاب بین‌المللی هامون، کوه خواجه و جاذبه‌های کویری و توریستی، داشتن مزیت در پرورش انواع دام، از قبیل شتر، بز کرکی و پرورش ماهی در دریاچه هامون، صنایع دستی رایج مانند انواع بافتنی‌ها و استفاده از گیاهان و رستنی‌ها موجود در منطقه، مانند نیزارهای دریاچه هامون برای بافتن پرده‌هایی از جنس نی که از تقاضای بالایی برخوردار است، در ایجاد اشتغال مورد توجه بیشتر قرار گیرد. بدین منظور آموزش فنی و حرفه‌ای، کمک به بازاریابی و نیز تخصیص اعتبارات بانکی کم‌بهره با شرایط پرداخت مناسب توسط بانک‌ها یا صندوق‌های اعتباری به کسب‌وکارهای خانوادگی به‌منظور نگهداشت ساختار و کارکرد اقتصادی - اجتماعی خانوارهای روستایی و فعالیت زیربنایی بنیادهایی مانند برکت در این مناطق محروم درخور توجه است. رونق کسب‌وکار و بهبود وضعیت معیشتی ضمن ماندگاری جمعیت ساکن، می‌تواند مهاجرت معکوس را نیز ترغیب کند و این خود طبق یافته‌های تحقیق می‌تواند به‌عنوان عامل تقویت‌کننده تعلق مکانی عمل کند.

منابع و مأخذ

۱. بدیعی ازندهای، مرجان، و پوینده، محمدهادی (۱۳۹۲). پدیدارشناسی و رابطه هویت و مکان در مقیاس‌های جغرافیایی. فصل‌نامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۵، شماره ۲، صفحات ۱۹-۱.
۲. بزی، خدارحم (۱۳۸۵). تحلیلی بر روند شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهر زابل معصومه. مجله مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (چشم‌انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی)، دوره ۱، شماره ۲، صفحات ۲۸-۵.
۳. پیری، حبیب، و عمرانی، محمد (۱۳۸۹). سنجش توسعه‌یافتگی در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان معصومه. فصل‌نامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۲، شماره ۳، صفحات ۱۴۳-۱۲۵.
۴. توکلی، مرتضی، و موسوی، سید محمود (۱۳۸۸). تحلیل تأثیر حس تعلق مکانی زنان روستایی شیعه مرزنشین بر مهاجرت در منطقه سیستان. دوفصل‌نامه بانوان شیعه. سال ۶، شماره ۲۱، صفحات ۱۸۴-۱۶۱.
۵. رهنما، محمدرحیم، و رضوی، محمدحسن (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره ۲، صفحات ۲۹-۳۶.
۶. زیاری، کرامت‌الله، شریفی، امیر، و نعیمی، کیومرث (۱۳۹۳). ارزیابی نقش توسعه اجتماعی در تحکیم حس مکانی؛ مطالعه موردی: محلات ناحیه ۱۰ شهر سمنجان. آمایش جغرافیایی فضا، سال ۴، صفحات ۹۸-۸۳.
۷. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۰). اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب. ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۲۵۹-۲۶۰، صفحات ۱۴۵-۱۳۲.
۸. شفیعا، محمدعلی، و شفیعا، سعید (۱۳۹۱). بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه

- اجتماعی، نمونه: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، شماره پیاپی ۴۶، شماره دوم، صفحات ۱۶۴-۱۳۹.
۹. شکوئی، حسین (۱۳۸۶). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. جلد اول، چاپ نهم، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۱۰. شیخی، محمد، امینی، سعیده، و نظامی، آناهیتا (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر). *فصل‌نامه علوم اجتماعی*. دوره ۶۹، شماره ۶۹، صفحات ۷۴-۴۵.
۱۱. عابدی سروسستانی، احمد (۱۳۹۳). تعلق مکانی، نگرش و رفتار محیط زیستی گردشگران پارک‌های جنگلی. *پژوهش‌های محیط زیست*، سال ۵، شماره ۹، صفحات ۴۶-۳۵.
۱۲. فاضل‌نیا، غریب (۱۳۹۳). «سنجش و مقایسه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در خانواده‌های گسترده و هسته‌ای؛ مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش پشت‌آب زابل». *فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی*، سال ۵، شماره ۴، صفحات ۸۷۴-۸۴۹.
۱۳. فاضل‌نیا، غریب، تقدیسی، احمد، و ملانوروزی، معصومه (۱۳۹۵). بررسی تأثیر تغییرات الگوی مسکن در روستا- شهرها (مطالعه موردی: روستا-شهر محمدآباد شهرستان زابل). *فصل‌نامه فضای جغرافیایی*، شماره ۵۳، صفحات ۱۷۲-۱۵۱.
۱۴. فروزنده، علی‌جوان، و مطلبی، قاسم (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. *هویت شهر*، شماره ۸، سال ۵، صفحات ۳۷-۲۷.
۱۵. فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۶، صفحات ۶۶-۵۷.
۱۶. قاسمی، وحید، و نگینی، سمیه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت محل‌های در شهر اصفهان. *مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، سال ۲، شماره ۷، صفحات ۱۳۶-۱۱۳.
۱۷. کاشی، حسین، و بنیادی، ناصر (۱۳۹۲). تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر

- و ابعاد مختلف آن، نمونه موردی: پیاده‌راه شهر ری. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۳، صفحات ۵۲-۴۳.
۱۸. مظلومی، سید مازیار (۱۳۸۹). تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۱، شماره ۳، صفحات ۱۵۰-۱۳۱.
۱۹. وارثی، حمیدرضا، عامل بافنده، مهدی، و محمدزاده، محمد (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱، شماره ۲، صفحات ۳۶-۱۷.
20. Altman, I., & Low, S. M. (1992). *Place attachment*. New York: Plenum Press.
21. Bonaiuto, M., Carrus, G., Martorella, H., & Bonnes, M. (2002). Local identity processes and environmental attitudes in land use changes: The case of natural protected area. *Journal of Economic Psychology*, 23, 631-653.
22. Brown, G. G., Reed, P., & Harris, C. C. (2002). Testing a place-based theory for environmental evaluation: An Alaska case study. *Applied Geography*, 22, 49-76.
23. Chigbu, U. E. (2013). Fostering rural sense of place: the missing piece in Uturu, Nigeria. *Development in Practice*, 23(2), 264-277.
24. Cuba, L., & Hummon, D. (1993). A place to call home: Identification with dwelling, community and region. *Sociological Quarterly*, 34, 111-131.
25. Dale, A., Ling, C., & Newman, L. (2008). Does place matter? Sustainable community development in three Canadian communities. *Ethics, Place & Environment*, 11, 267-281.
26. Eisenhauer, B. W., Krannich, R. S., & Blahna, D. J. (2000). Attachments to special places on public lands: An analysis of activities, reason for attachments and community connections. *Society & Natural Resources*, 13, 421-441.
27. Hernández, B., Hidalgo, M. C., Salazar-Laplace, M. E., & Hess, S. (2007). Place attachment and place identity in natives and non-natives. *Journal of Environmental Psychology*, 27, 310-319.
28. Hidalgo, M. C., & Hernandez, B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology*, 21, 273-281.
29. Jorgensen, B., & Stedman, R. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: Attachment to, dependence on and identification with lakeshore properties. *Journal of Environment Management*, 79, 316-327.
30. Kaltenborn, B. P. & Bjerke, T. (2002). Associations between environmental value orientations and landscape preferences. *Landscape and Urban Planning*, 59, 1-11.
31. Kyle, G.; Graefe, A., & Manning, R. (2005). Testing the dimensionality of place attachment in recreational settings. *Environment and Behavior*, 37(2), 153-177.
32. Manzo, L. C. (2003). Beyond house and have: Towards a revisioning of emotional relationships with places. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 47-61.

33. Mishra, S.; Mazumdar, S., & Suar, D. (2010). Place attachment and flood preparedness. *Journal of Environmental Psychology*, 30, 187-197.
34. Norton, B. G., & Hannon, B. (1997). Environmental values: A place-based theory. *Environmental Ethics*, 19, 227-245.
35. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
36. Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. *Geoforum*, 22, 347-358.
37. Soini, K. Vaarala, H., & Pouta, E. (2012). Residents' sense of place and landscape perceptions at the rural-urban interface. *Landscape and Urban Planning*, 104, 124-134.
38. Stedman, R. (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Society & Natural Resources*, 16, 671-685.
39. Tuan, Y. F. (1977). *Sense of place: The perspective of experience*. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
40. Twigger-Ross, C. L., & Uzzell, D. L. (1996). Place and identity process. *Journal of Environmental Psychology*, 16, 205-220.
41. Vogt, C. A., & Marans, R. W. (2004). Natural resources and open space in the residential decision process: A study of recent movers to fringe counties in southeast Michigan. *Landscape and Urban Planning*, 69, 255-269.
42. Vorkinn, M. & Riese, H. (2001). Environmental concern in a local context. The significance of place attachment. *Environment and Behavior*, 33, 249-263.
43. Williams, D. R., & Vaske, J. J. (2003). The measurement of place attachment: Validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest Science*, 49(6), 830-840.

Archive of SID